

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز حکمرانی خوب

فریبا حیدری^۱

چکیده

موضوع پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس، در ابتدا با استفاده از منابع دست اول و نیز روش تحلیلی و توصیفی ویژگی‌های یک جامعه خوب را با محوریت کتاب «احیای دموکراسی: شهروندان در قلب حکمرانی» بررسی نموده؛ سپس لایه‌های جامعه خوب مشخص و در انتها قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس آن مورد واکاوی قرار می‌گیرد. در پایان نتایج تحقیق نشان داد که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازهای مردم در هر سه لایه مورد توجه بوده است.

کلیدواژه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حکمرانی مطلوب، مردم

مقدمه

قانون اساسی^۱ به مفهوم مدرن حداقل ترکیبی از دو مفهوم است: مفهوم اول، مجموعه‌ای است از قواعد ارزشی و دستوری در جهت حفظ حداکثر آزادی‌های دموکراتیک و حداکثر محدودیت‌های دولت و این که دولت چگونه باید سازماندهی شود. قانون اساسی به مفهوم دوم، سندی است مکتوب و ملی برای تأسیس آرمانی سیاسی و آزادی-خواهانه قانون است و مفهوم دوم به جنبه توصیفی سازماندهی و مدیریتی قدرت سیاسی توجه دارد. (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۷۱)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اولین قانون اساسی است که حاکمیت الهی و مردمی را در قالب ولایت فقیه اجرایی ساخت و حاکمیت الهی را به واسطه امامان معصوم و ملت اسلامی به ولی فقیه واگذار کرد. این قانون در سال ۱۳۵۸ توسط مجلس خبرگان قانون اساسی در ۱۷۵ اصل تصویب و همان سال به همه‌پرسی گذاشته شد و نتیجه آن با رأی مثبت اعلام شد. در سال ۱۳۶۸ اصلاحاتی در این قانون صورت گرفت و سمت نخست‌وزیری در سمت ریاست جمهوری ادغام شد و سمت جدید پدید آمده را ریاست جمهوری نامیدند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یک مقدمه و چهارده فصل دارد که عبارتند از: فصل اول: اصول کلی، فصل دوم: زبان، خط، تاریخ و پرچم رسمی کشور، فصل سوم: حقوق ملت، فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی، فصل پنجم: حق حاکمیت ملت و قوای ناشی از آن، فصل ششم: قوه مقننه، فصل هفتم: شوراها، فصل هشتم: رهبر یا شورای رهبری، فصل نهم: قوه مجریه، فصل دهم: سیاست خارجی، فصل یازدهم: قوه قضائیه، فصل دوازدهم: صدا

1. THE CONSTITUTIONAL LAW

و سیما، فصل سیزدهم: شورای عالی امنیت ملی، فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی. حکمرانی خوب^۱ مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه مطرح شد، این مفهوم مشتمل بر معیارها و استانداردها، رویه‌ها و اصول حکومت‌داری است که دولت‌ها از طریق آن امور عمومی را به انجام می‌رسانند، منابع عمومی را اداره می‌کنند و حقوق بشر را تضمین می‌نمایند. از ارکان مهم حکمرانی خوب می‌توان شفافیت، مسئولیت، پاسخگویی، مشارکت، حاکمیت قانون و انعطاف‌پذیری دولت را نام برد. حکمرانی خوب نسبت نزدیکی با مردم‌سالاری و فرایندهای دموکراتیک دارد و به سخن بهتر، مجموعه‌ای از معیارها و شاخصه‌های کاربردی نظام‌های سیاسی دموکراتیک در ابعاد فرآیندی، ساختاری و ماهوی است. از سوی دیگر، تحقق این مفهوم و حاکمیت دموکراتیک مستلزم حکومت (نهادهای و ساختارهای) دموکراتیک و جمهوری است. (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۳۶)

بانک جهانی حکمرانی خوب را «ابزار اعمال قدرت در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی کشور برای توسعه» و «حکمرانی خوب را مترادف با مدیریت منطقی توسعه» تعریف می‌کند. اجزای حکمرانی خوب عبارتند از: مشروعیت حکومت، پاسخگویی سیاسی و رسمی دولت، صلاحیت دولت‌ها به تدوین و فرموله کردن مناسب سیاست‌ها، احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون.

- مشروعیت حکومت که بستگی به وجود فرآیندهای مشارکتی و رضایت کسانی که حکومت می‌شوند دارد؛

- پاسخگویی سیاسی و رسمی دولت برای اقدامات خود نیز بستگی به در دسترس بودن اطلاعات، آزادی رسانه‌ها، شفافیت تصمیم‌گیری و وجود مکانیسم‌هایی برای بازخواست سازمان‌ها دارد.

1. Good Governance

- صلاحیت دولت‌ها به تدوین و فرموله کردن مناسب سیاست‌ها، تصمیم‌گیری به موقع، اجرای موثر آن‌ها و ارائه خدمات مرتبط است.
- احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون، برای تضمین حقوق و امنیت فردی و گروهی، برای ایجاد چارچوبی در جهت امنیت اقتصادی و اجتماعی و تشویق همه افراد به مشارکت است.

در نوشتار پیش‌رو نگارنده در پی پاسخ به این سوال است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از چشم‌انداز حکمرانی خوب چگونه ارزیابی می‌شود؟ در پاسخ به پرسش گفته شده این فرضیه مورد آزمون قرار می‌گیرد که «در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ویژگی‌های جامعه خوب ترسیم شده است».

در راستای آزمون فرضیه، ابتدا دیدگاه مردم جهان در مورد حکمرانی مطلوب و ویژگی‌های یک جامعه خوب بررسی و سپس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نتایج و اصول استخراج شده از دیدگاه آنان، تجزیه و تحلیل شده است. برای درک دیدگاه مردم در مورد حکمرانی خوب و جامعه خوب از کتاب احیای دموکراسی: شهروندان در قلب حکمرانی که در سال ۲۰۰۲ توسط باری نایت و همکارانش نوشته شده است، استفاده می‌کنیم.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش برگرفته از کتاب احیای دموکراسی: شهروندان در قلب حکمرانی می‌باشد. باری نایت و همکارانش در این کتاب این سوال را مورد بررسی قرار دادند که شهروندان عادی در مورد حکمرانی خوب چه دیدگاهی دارند؟ در پاسخ به این سوال مطالعه‌ای با استفاده از روش پژوهش مشارکتی^۱ انجام شده

۱. Participatory research: پژوهش مشارکتی بدین معناست که مردم در تولید دانش در مورد شرایط خودشان و اینکه چگونه می‌توانند آن را تغییر دهند مشارکت کنند.

است و نزدیک به ۱۰,۰۰۰ شهروند عادی از ۴۷ کشور مورد مصاحبه قرار گرفتند. این تحقیق یکی از بهترین پژوهش‌هایی است که انجام شده؛ زیرا داده‌های آن از طریق مصاحبه با شهروندان کشورهای مختلف و نیز با توجه به معیارهایی چون ابعاد و وجوه مختلف توسعه، فرهنگ، زبان و... جمع‌آوری و تحلیل شده است. روش پژوهش مشارکتی اساساً، بدان معنی است که تحقیق بر آنچه مردم فکر می‌کنند درست است، متمرکز می‌باشد. واحد تحلیل در این پژوهش گفته‌های شهروندان است. سوالاتی که شهروندان بدان پاسخ داده‌اند عبارتند از:

- نظر شما در مورد یک جامعه خوب چیست؟ تا چه حد چنین جامعه‌ای امروز وجود دارد؟

- چه نقش‌هایی بهتر است شهروندان و چه نقش‌هایی بهتر است دولت و بخش‌های دیگر در یک جامعه خوب ایفا کنند؟

- چه چیزی شهروندان را برای ایفای نقش‌هایشان در توسعه جامعه خوب در آینده توانمند می‌کند؟

یک اجماع گسترده در میان نخبگان جهان، رهبران دولت و اتاق‌های فکر در مورد چگونگی توسعه جوامع در سرتاسر جهان وجود دارد که سه مولفه دارد:

- دموکراسی

- بخش خصوصی

- جامعه مدنی

دموکراسی، یکی از بهترین شکل‌های حکومت است. در کوتاه مدت، انتظار می‌رود دولت‌ها به سوی یک نوع از حکومت تعریف شده به عنوان «تصمیم‌گیری‌های جمعی که در آن دولت به عنوان یکی از ذی‌نفعان در میان بسیاری دیگر است» حرکت کنند. حکومت دموکراسی دارای اصول و شاخص‌های

خاصی می‌باشد. اصول این نوع حکومت عبارت است از: اصل حاکمیت مردم، برابری سیاسی، آزادی سیاسی، نظارت همگانی و اصالت قانون و شاخص‌های آن نیز شامل مواردی چون برگزاری انتخابات دوره‌ای و منظم، فقدان مناصب و مقامات غیرمنتخب، آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی، آزادی بیان رسانه‌ها و مطبوعات و وجود فرصت‌های سیاسی برابر برای همه‌ی شهروندان در کشور می‌باشد.

بخش خصوصی در بازار آزاد موتور رشد اقتصادی محسوب می‌شود. دولت‌ها تشخیص داده‌اند که بخش خصوصی منبع اصلی ایجاد فرصت‌های شغلی می‌باشد. بنابراین رشد منصفانه، برابری جنسیتی، صیانت محیط زیست و ایجاد اشتغال در جامعه حاصل نمی‌شود، مگر با تعامل بخش‌های دولتی و خصوصی، به گونه‌ای که دولت در توسعه بخش خصوصی اقدامات ذیل را انجام دهد:

- ایجاد یک محیط با ثبات در اقتصاد کلان
 - صیانت از بازارهای رقابتی
 - پشتیبانی و حمایت از شرکت‌های ایجادکننده اشتغال
 - جذب سرمایه و کمک به انتقال دانش و تکنولوژی
 - تقویت حاکمیت قانون
 - حمایت از محیط زیست و منابع طبیعی (رزمی، صدیقی، ۱۳۹۱: ۱۰)
- جامعه مدنی شامل (NGO) سازمان‌های مردم‌نهاد، تعاونی‌ها، سازمان‌های زنان و.... است و نقش بسیار مهمی در حمایت از حقوق شهروندان دارد. جامعه مدنی بیانگر بخشی از جامعه است که شهروندان را با حوزه عمومی و دولت پیوند می‌دهد، به عبارتی وجه سیاسی جامعه است. سازمان‌های جامعه مدنی مشارکت

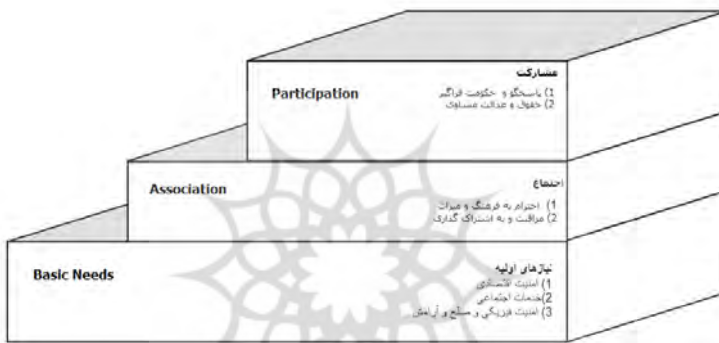
مردم در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی را کانالیزه کرده و آنها را از طریق سازماندهی در گروههای قدرتمند برای تأثیرگذاری بر فرایند خطمشی گذاری تقویت می کند. آنها همچنین فرصتهایی برای افراد جامعه فراهم می آورند تا ظرفیتهایشان را توسعه داده و استانداردهای زندگی شان را بهبود دهند. (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱: ۹-۱۰)

مثلث دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی در قانون اساسی ایران

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکتها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیت های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

لایه‌های جامعه خوب

جامعه خوب سه جزء یا لایه دارد که سلسله مراتبی هستند، این لایه‌ها به هم مرتبط بوده و هر لایه پایه و اساس لایه بعدی است. وقتی لایه قبلی ساخته شده باشد، مردم «جامعه خوب» را بر اساس مفاهیم لایه بعدی تعریف می‌کنند.



لایه نیازهای اولیه

زمانی که نیازهای اساسی مردم همچون معیشت مطمئن و پایدار، استاندارد معقول زندگی، دسترسی به آب، بهداشت و آموزش و پرورش تأمین گردد، در این صورت آن‌ها در خانه و جامعه احساس کرامت و امنیت می‌کنند. این بخش با توسعه اقتصادی کشورها در ارتباط است. نیازهای اولیه شامل:

۱. امنیت اقتصادی: مؤلفه امنیت اقتصادی، برای گروه‌های مختلف معانی متفاوتی دارد؛ به طور مثال: برای جوانان داشتن شغل مناسب، برای کشاورزان امنیت بازار برای محصولات کشاورزی، برای مردم قبیله‌ای در هند دسترسی به منابع طبیعی، به معنای امنیت اقتصادی است. در واقع امنیت اقتصادی وضعیت

با ثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده است که در آن فرد، جامعه، سازمان و دولت احساس رهایی از خطر کرده و به زور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند. به عبارتی، زمانی می‌توان جامعه را از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه‌ها به عنوان مهم‌ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه‌سازی رفتار خود بپردازند. (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵)

۲. **دسترسی به خدمات:** شامل ارائه خدمات مناسب همچون دسترسی به غذا، آب سالم، محل سکونت، آموزش، سلامت و بهداشت است. شهروندان معتقدند دسترسی به خدمات باید برای همه باشد نه برای برخی.

۳. **امنیت فیزیکی و صلح و آرامش:** شهروندان معتقدند که یک جامعه خوب عاری از جنگ، تجاوز، مواد مخدر، قتل و خودکشی است (نایت، ۲۰۰۲: ۶۸)

نقش پیش برنده، ترقی‌دهنده دولت در لایه نیازهای اولیه

نقش دولت تلاش در جهت تحقق عدالت و برابری است. طبقه، نژاد، جنسیت، مذهب، قومیت، زبان و یا دیگر مشخصه‌های اجتماعی هرگز نباید اساس تبعیض در زندگی اجتماعی شود. عدالت، روحیه و نیرویی است که همواره متعادل عمل می‌کند و مطابق حق و واقعیت پیش می‌رود و حق هرکسی را به او داده و جلوی احساسات نفع طلبانه شخصی یا انتقام جویی و بدخواهی و یا رفتار برابر سلیقه و میل خود را می‌گیرد و در یک کلمه، تابع حق و قانون است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۴: ۳۱)

شهروندان در دولت دموکراتیک باید به اطلاعات دقیق و روشن دسترسی داشته باشند. حکومت باید سیاست‌هایی در جهت کمک به شهروندان تدوین کند. مثلاً سیاست‌هایی در جهت کمک به شهروندان فقیر، ناتوان و...

در زمینه نقش پیش‌برنده دولت می‌توانیم به اصول ۲۹-۳۱-۱-۲ قانون اساسی اشاره کنیم در اصل یک قانون اساسی آمده است: «تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه» و در اصل دوم به شرایط و امکانات کار برای مردم اشاره شده است: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هریک از مراحل رشد صورت گیرد» و در اصل سی و یکم آمده است: «داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آن‌ها که نیازمندترند به خصوص روستائینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». در اصل ۲۹: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی».

امنیت برای افراد و دولت ایجاد تکلیف می‌کند؛ بدان معنی که افراد مکلفند حقوق مادی و معنوی یکدیگر را مورد احترام قرار داده و رعایت کنند. دولت نیز مکلف است با وضع قانون و تأسیس اداری و قضایی برای مردم امنیت ایجاد کند تا با اطمینان خاطر به زندگی خود ادامه دهند و نیز در متابعت از قانون، حقوق و آزادی افراد را محترم شمارد. قانون اساسی ایران نیز: «تأمین

حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه» را از وظایف کلی دولت برشمرده و جنبه‌های متعددی از آن را در اصول مربوط به حقوق ملت، مورد حمایت قرار داده است. (بجنوردی، ۱۳۸۵: ۹۲)

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شرایط اقتصادی و مادی مردم‌سالاری مورد توجه قرار گرفته است. تأمین حداقل رفاه و حداقل‌های معیشتی و نیازهای اساسی انسان در جریان رشد مورد توجه قرار گرفته است و هم در جهت کاستن از شکاف‌ها و نابرابری‌های فاحش اقتصادی، مکانیسم‌های لازم پیش‌بینی شده است. (شفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ۶۵)

با توجه به تلقی اقتصاد به عنوان وسیله و نه هدف، زمینه‌سازی برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی را سرلوحه برنامه اقتصاد اسلامی قلمداد کرده و به همین جهت، تأمین امکانات مادی مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی انسان را بر عهده حکومت اسلامی دانسته است. (هاشمی، ۱۳۷۸: ۳۲۶-۷ و ۳۴۲)

در لایه اول نیاز به وجود شهروندان فعال در جامعه است، شهروند فعال فردی مسئول و فعال (مانند یک همسایه خوب) است که خودمحور و خودخواه نیست. او ابتدا باید از نقد خود شروع کند و سپس جامعه را.

لایه اجتماع

وقتی که اجتماع وجود داشته باشد مردم احساس تعلق به آن پیدا می‌کنند، در این حالت هویت اجتماعی، سرمایه اجتماعی و انسجام اجتماعی وجود دارد. بعد از تأمین نیازهای اساسی، مسائل فرهنگی اهمیت پیدا می‌کند. اجتماع شامل:

۱. احترام به فرهنگ و میراث: شامل موسیقی، هنر، رقص، تشریفات مذهبی،

نوع پوشش، جشن‌ها و زبان می‌شود.

۲. مراقبت و به اشتراک‌گذاری: شامل ارزش‌هایی همچون دوستی، مهربانی، سخاوت، کمک و حمایت می‌شود.

نقش تسهیل‌کنندگی دولت در لایه اجتماع

سازمان‌های دولت باید فعالیت شهروندان را تسهیل کنند. تحقق چنین هدفی نه فقط از طریق سیاست‌ها و تخصیص منابع بلکه از طریق رفتار و نگرش‌های خود امکان‌پذیر است. دولت باید به تلاش جمعی شهروندان به عنوان دارایی و نه به عنوان تهدید بنگرد. در بسیاری از کشورها دولت فعالیت‌گرایی شهروندان را به عنوان تهدید می‌نگرد و رفتارهای تلافی‌جویانه مانند محدود کردن مطبوعات، منع آزادی بیان و... را ابراز می‌دارد. در حالی که بر اساس نقش تسهیل‌کنندگی دولت، باید طرفدار نقد و ایده‌های جدید باشد.

در زمینه نقش تسهیل‌کنندگی دولت می‌توان به اصول ۳۰-۱۳-۱۵-۱۹-۲۰-۴۸ اشاره نمود. در اصل ۳۰ آمده است: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد». مبنای دموکراسی برابری سیاسی است، اما این سطح از برابری، ممکن است تحت‌الشعاع نابرابری‌های اقتصادی قرار گیرد و افرادی به لحاظ ناتوانی مادی، عملاً توان اعمال حق سیاسی برابر خود را نداشته و مشارکتشان تحت تأثیر یا حتی تحت سلطه عده‌ای دیگر واقع شود. بنابراین، عدالت اجتماعی ضمانت اجرای برابری سیاسی است که در برابری شرایط و عدالت توزیعی متجلی می‌شود. (شفیعی فر، ۱۳۸۴: ۵۶)

برابری اجتماعی بدین معناست که تفاوت‌های ارثی، جغرافیایی، مالی و... از لحاظ اجتماعی وجود نداشته باشد و همه اشتغالات، مناصب و افتخارات در دسترس همگان قرار گیرد.



برابری همه مردم ایران از هر جنس، رنگ و نژاد و قومی و حقوق اقلیت‌های دینی نیز در اصل ۱۳ قانون اساسی به رسمیت شناخته شده است: «ایرانیان، زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند». در اصل ۱۵ آمده است: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد، ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است» و اصل ۱۹: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود». در اصل ۲۰ به برابری زن و مرد اشاره شده است: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

مطالعه حقوق اقلیت‌ها و گروه‌های قومی در قانون اساسی نشانگر آن است که علی‌رغم فقدان الگوی مشخص و منسجم و عدم استفاده از مدل‌های رایج جلب و تأیید مشارکت اقلیت‌ها در این سند حقوقی، حقوق گروه‌های مذکور به طرق گوناگونی مطرح شده و محفوظ مانده است. در قانون اساسی کشورمان، سه مقوله گروه قومی، اقلیت دینی و اقلیت مذهبی از یکدیگر تفکیک شده و در حالی که اقلیت قومی با دو گروه دیگر قابل جمع است، برای هریک به طور جداگانه حقوقی مطرح شده که با هم جمع پذیرند. (قاسمی، ۱۳۸۲: ۸۵۳)

تأکید بر رفع تبعیض در برخورداری از امکانات در اصل ۴۸: «در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های

اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور، باید تبعیض در کار نباشد. به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد».

نقش شهروندان در لایه اجتماع، اقدام جمعی شهروندان است، به دلیل کمبود زمان، انرژی و توانایی یک فرد اقدام جمعی شهروندان موثرتر است. مثلاً اقدام جمعی و داوطلبانه شهروندان در ساختن یک جاده روستایی. شهروندان خواستارند که حکومت از این اقدامات دسته جمعی شهروندان حمایت کند.

لایه مشارکت

هنگامی که مشارکت وجود داشته باشد، مردم احساس برابری و عدالت اجتماعی نموده و تبعیض اجتماعی را تجربه نمی‌کنند. مردم در امور عمومی مشارکت دارند و صدایشان شنیده می‌شود. مشارکت شامل:

۱. حکومت پاسخگو و فراگیر: به معنای مشورت کردن با شهروندان به صورت منظم و مداوم، نه فقط در زمان انتخابات و مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی دولت است.

۲. عدالت و حقوق مساوی: شامل احترام به حاکمیت قانون، آزادی بیان، آزادی دسترسی به اطلاعات، آزادی تشکیل اجتماعات، عدم تبعیض می‌شود.

نقش مهیاکنندگی دولت در لایه مشارکت

اکثریت شهروندان معتقدند دولت باید چارچوب‌ها، قوانین ضروری و شرایط لازم برای تأمین نیازهای اولیه را فراهم کند تا معیشت امن برای همه فراهم گردد. این شرایط از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. به عنوان مثال نقش مهیاکنندگی دولت برای مردمان بومی در اقیانوس آرام به معنای دسترسی به منابع طبیعی (مانند زمین، جنگل و آب) برای زندگی و مشاغل خود است، اما

برای کشاورزان خرد آفریقا و آسیا به معنای اطمینان از هزینه-های پایین، بازده معقول و زیرساخت‌های بازار و برای جوانان شهری سیاست‌های اشتغال است. در زمینه نقش مهیاکنندگی دولت می‌توانیم به اصول ۶-۲۴-۲۶ اشاره کنیم. در اصل ۲۶ آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید با اتکاء به آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این‌ها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد» و در اصل ۲۴: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن‌که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می‌کند» و در اصل ۲۶: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این‌که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت». در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مردم سالاری مبتنی بر نمایندگی را پذیرفته و ابزارها و مکانیسم‌های مختلف آن مانند احزاب مطبوعات انتخابات اختلاف عقیده تضمین حقوق و آزادی‌ها نهادهای واسط و مشارکت سیاسی را به رسمیت شناخته است. (امیراحمدی، ۱۳۸۱: ۲۵۴)

نقش شهروندان در لایه مشارکت، شرکت در فرایندهای سیاسی است، شهروندان خواستار یک دموکراسی پرجنب و جوش هستند تا در آن نقش‌های عمومی را ایفا کنند و ضمن ارتباط با سازمان‌های عمومی به اطلاعات دسترسی داشته و بتوانند سیاست‌ها و برنامه‌های سازمان‌های دولتی را مورد کنترل و ارزیابی قرار دهند. در اصل خواستار یک حکومت باز هستند.

جامعه خوب سه جزء یا لایه دارد که به شکل سلسله مراتبی به هم مرتبط هستند و هر لایه پایه و اساس برای لایه بعدی است. وقتی لایه قبلی ساخته شده باشد مردم «جامعه خوب» را بر اساس مفاهیم لایه بعدی تعریف می کنند. لایه اول نیازهای اولیه و لایه دوم اجتماع و لایه سوم مشارکت است. قانون اساسی هر کشوری نشان دهنده سطح بلوغ فکری و سیاسی مردم و حکمرانان آن کشور است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیازهای مردم در هر سه لایه مورد توجه بوده است. نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. اصول دموکراسی عبارتند از اصل حاکمیت مردم، برابری سیاسی، آزادی سیاسی، نظارت همگانی و اصالت قانون است و شاخص های حکومت دمکراتیک عبارتند از برگزاری انتخابات دوره ای و منظم، فقدان مناصب و مقامات غیرمنتخب، آزادی احزاب و گروه های سیاسی، آزادی بیان رسانه ها و مطبوعات و وجود فرصت های سیاسی برابر برای همه ی شهروندان در کشور در قانون اساسی پیش بینی شده است.

۱. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۸۱)، «انقلاب‌های طبقه متوسط در جهان سوم» در هوشنگ امیر احمدی و منوچهر پروین، ایران پس از انقلاب، علی مرشدی‌زاده، تهران، انتشارات باز، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۲. برومند، شهرزاد؛ همکاران (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران، مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۳. خامنه‌ای، سید محمد (۱۳۷۴)، ریشه‌ها و مفهوم عدالت در فقه و حقوق اسلام، در این مأخذ: عدالت در روابط بین‌الملل و بین ادیان از دیدگاه اندیشمندان مسلمان و مسیحی، تهیه کننده: سید عبدالمجید میردامادی، ج ۱ (تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی)
۴. شفیع‌فر، محمد (۱۳۸۴)، «مطالعات ایران: دموکراسی و عدالت اجتماعی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، شماره ۲۷، ص ۴۹-۸۰.
۵. قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۲)، «اقلیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره چهارم.
۶. رزمی، محمدجواد؛ صدیقی، سمیه (۱۳۹۱)، «الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی»، چهارمین همایش ملی اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی شهر، صص ۱-۲۲.
۷. زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، از ۱۵۵-۲۰۲.

۸. موسوی بجنوردی، سید محمد؛ سلیمانان، مهسا (۱۳۸۵)، «بررسی فقهی - حقوقی حقوق ملت در فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشگاه متین، شماره ۳۰، از ۸۳-۱۲۰.

۹. هاشمی، محمد (۱۳۷۰)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، اصول و مبانی کلی نظام، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم.

10. Knight, Barry; Chigudu, Hope; TandonT, Rajesh Reviving

Democracy: Citizens at The Heart of Governance, Earthscan Publications

Ltd.

